

سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	۲۸	صفحات	۱-۱۹
------------	------	--------------	----	-------	------

روش کشف مقاصد شریعت در احکام نکاح و طلاق از منظر فریقین

آقای محمد جاوید قادری، آقای دکتر هدایت حسین محصلی و آقای دکتر ایجاد حسین مجتبی

دانش پژوه مقصد دکتری اصول فقه اسلامی جامعه المصطفی العالمیه گرگان

استادیار در دانشگاه المصطفی گرگان

مدیر گروه فقه و اصول جامعه المصطفی العالمیه گرگان

چکیده

موضوع این پژوهش، بررسی روش کشف مقاصد شریعت در احکام نکاح و طلاق از منظر فریقین (اهل سنت و اهل تشیع) است. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که فهم روش‌شناختی هر مکتب، کلید درک علل اشتراکات و اختلافات فقهی در حوزه خانواده است و می‌تواند به غنای فقه تطبیقی و تقریب بین مذاهب بینجامد. هدف اصلی مقاله، تبیین و مقایسه سازوکارها، منابع و ملاک‌هایی است که هر یک از دو مکتب، برای استنباط اهداف شارع از نصوص مربوط به ازدواج و طلاق به کار می‌گیرند. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، با مطالعه کتابخانه‌ای متون اصلی اصولی و فقهی دو مکتب پیش رفته است. یافته‌ها و نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که هر دو مکتب در توجه به مقاصد کلانی چون حفظ نسل، تأمین سکون و دفع ضرر مشترک-اند، اما در روش کشف تفاوت‌های بنیادینی دارند. فقه امامیه با تکیه بر سنت معصوم و عقل برهانی، روشی نص‌بنیان و ساختاریافته را دنبال می‌کند در حالی که فقه اهل سنت به ویژه در مکاتب مالکی و حنبلی با محوریت‌دادن به مصلحت و استقراء عمومی نصوص، از روشی انعطاف‌پذیرتر و مصلحت‌محور بهره می‌برد. این تفاوت روش‌شناختی، منشأ برداشت‌های گاه متمایز از احکامی مانند مهریه، طلاق خلعی و حدود ولایت در ازدواج شده است.

واژگان کلیدی: مقاصد شریعت، روش‌شناسی فقهی، نکاح، طلاق، فقه تطبیقی

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

The method of discovering the intentions of Sharia in marriage and divorce decrees from the perspective of the parties

Mohammad Javed Qadri, Hedayat Hossein Moshli, and Ejad Hossein Mojtaba

Abstract

The subject of this research is to investigate the method of discovering the purposes of Sharia in marriage and divorce decrees from the perspective of the parties (Sunni and Shia). The importance of this issue comes from the fact that the methodological understanding of each school is the key to understanding the causes of jurisprudence commonalities and differences in the field of family and can lead to the enrichment of comparative jurisprudence and approximation between religions. The main purpose of the article is to explain and compare the mechanisms, sources, and criteria that each of the two schools use to infer legal purposes from texts related to marriage and divorce. This research has been carried out with a descriptive-analytical method and a comparative approach, with a library study of the main doctrinal and jurisprudential texts of the two schools. The findings and results of the research show that both schools have common goals such as preserving the generation, providing peace and avoiding harm, but they have fundamental differences in the method of discovery. Imamiyyah jurisprudence, relying on the infallible tradition and reason, follows a script-based and structured method, while Sunni jurisprudence, especially in Maliki and Hanbali schools, uses a more flexible and expediency-oriented method by focusing on expediency and general induction of texts. This methodological difference is the source of sometimes different interpretations of rulings such as dowry, divorce, and the limits of guardianship in marriage.

Keywords: The purposes of Sharia, Jurisprudential methodology, marriage, Divorce, Comparative jurisprudence.

متن مقاله

مرور پیشینه نشان می‌دهد که اگرچه آثار ارزشمندی در سه دسته کلی آثار کلاسیک مقاصد الشریعه، مانند: الموافقات شاطبی، کتب فقه تطبیقی خانواده، و مقالات پراکنده درباره مصلحت در احکام- وجود دارد، اما خلأ اصلی عدم بررسی تطبیقی خود روش کشف مقاصد در باب نکاح و طلاق است. بیشتر پژوهش‌ها بر نتایج فقهی متمرکز بوده و فرآیند روش‌مند رسیدن به آن نتایج را واکاوی نکرده‌اند.

هدف اصلی این مقاله، انجام مطالعه‌ای تطبیقی-تحلیلی درباره روش‌شناسی کشف مقاصد شریعت در احکام نکاح و طلاق از منظر فریقین است. اهداف فرعی آن شامل: تبیین و مقایسه مبانی معرفتی هر مکتب با تأکید بر جایگاه عقل، سنت و مصلحت، شناسایی و تحلیل منابع استنباط مانند نص خاص در برابر استقراء عام نصوص، بررسی قواعد عملیاتی مانند قاعده ملازمه یا مصالح مرسله و نشان دادن تأثیر این تفاوت‌های روش‌شناختی بر احکام فقهی در مسائل محوری است.

چارچوب نظری پژوهش بر دو رکن استوار است: نخست، نظریه مقاصد الشریعه که بر جلب مصالح و دفع مفاسد در سطوح ضروریات، حاجیات و تحسینات تأکید دارد. دوم، تفاوت در مبانی اصولی فریقین. در اصول فقه امامیه، مرجعیت سنت معصوم و قاعده ملازمه عقل و شرع نقشی محوری ایفا می‌کند. در مقابل، در سنت اهل سنت به ویژه در مکتب مالکی، استقراء کلی نصوص و مصلحت عمومی وزن و اعتبار بیشتری می‌یابد. این تفاوت در مبانی، دو مسیر متمایز برای کشف مقاصد می‌گشاید که این مقاله به بررسی تطبیقی آن‌ها می‌پردازد.

مفهوم شناسی -۲

مفهوم‌شناسی مقاصد شریعت ۱-۲

الف) مقاصد شریعت در لغت: ریشه «قصد» در لغت به معنای توجه، اراده و اعتماد کردن به چیزی است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴هـ ذیل ماده «قصد»)

تشکیل خانواده، از ارکان اساسی جامعه اسلامی است که شارع مقدس با وضع احکام دقیق نکاح و طلاق، چارچوبی مستحکم برای آن فراهم نموده است. فقهای مسلمان با استناد به نصوص شرعی، احکام گسترده‌ای را در این حوزه استنباط کرده‌اند. با این حال، پویایی اجتهاد و تطبیق این احکام بر شرایط متحول، مستلزم عبور از ظواهر متون و دستیابی به فهم عمیق‌تری از اهداف و حکمت‌های تشریح، موسوم به مقاصد شریعت است. پرسش محوری این پژوهش، نه خود این مقاصد، بلکه روش کشف آن‌ها از منظر فریقین اهل سنت و اهل تشیع است.

هنگامی که فقهی از هر مکتب در پی درک مقصود شارع از حکمی در حوزه خانواده است، بر چه مبانی معرفتی تکیه می‌زند؟ از چه منابع و ادله‌ای بهره می‌جوید و چه قواعد روش‌مندی را به کار می‌بندد؟ اهمیت پاسخ به این پرسش دوچندان است؛ نخست، به عنوان کلیدی برای فهم علل ریشه‌ای اختلافات فقهی، که اغلب ناشی از تفاوت در روش استنباط است. دوم، به عنوان ضرورتی برای اجتهاد پویا و پاسخگو در عصر حاضر، که نهاد خانواده با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبروست و توانایی فقه در ارائه راهکار، در گرو بهره‌گیری از یک روش‌شناسی شفاف در کشف مقاصد است.

ضرورت این پژوهش در چند محور نمایان است: پر کردن خلأ پژوهشی موجود، چراکه مطالعات مقاصد الشریعه اغلب کلی‌نگر بوده و کاربرد روش‌شناختی آن در حوزه‌ای خاص مانند خانواده، کمتر به صورت تطبیقی بررسی شده است. روش‌مندسازی فرآیند اجتهاد از طریق ارائه الگویی ساختاریافته برای کشف مقاصد. کمک به تقریب بین مذاهب با تبدیل اختلافات به تفاوت در روش استدلال. و نهایتاً، توانمندسازی فقه برای پاسخگویی به نیازهای معاصر خانواده

«معادل» طریق (Method) «الف» روش شناسی فقهی در لغت: روش و «سبیل» در عربی، به معنای راه و شیوه انجام کار است (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ ذیل ماده «روش»). «شناسی» پسوندی است که بر علم و شناخت دلالت دارد. بنابراین، روش شناسی به معنای شناخت شیوه‌ها و راه‌هاست.

ب) روش شناسی فقهی در اصطلاح اصول فقه: روش شناسی فقهی شاخه‌ای علمی (Methodology of Islamic Jurisprudence) است که به تبیین و تحلیل اصول، قواعد، ابزارها و مراحل نظام مند استنباط حکم شرعی از ادله تفصیلی آن می‌پردازد (حیدری، ص ۳۹). در حقیقت، روش شناسی پاسخ به این پرسش است که فقیه «چگونه» از منابعی مانند کتاب و سنت، به حکمی عملی می‌رسد. این مفهوم، فراتر از بیان رأی فقهی نهایی، منطق درونی و فرآیند استدلال پشت آن رأی را، مورد کنکاش قرار می‌دهد. آنچه در این پژوهش مورد توجه است، زیرشاخه‌ای تخصصی‌تر است که می‌توان آن را «روش شناسی کشف مقاصد» نامید؛ یعنی بررسی و مقایسه سازوکارها، ملاک‌ها و مراحل خاصی که فقهای فریقین برای استخراج اهداف شارع از دل نصوص مرتبط با نکاح و طلاق به کار می‌بندند. این روش شناسی، خود به شدت، تحت تأثیر مبانی معرفتی و اصولی هر مکتب (مانند دایره حجیت سنت، جایگاه عقل و تعریف و قلمرو مصلحت) شکل گرفته و جهت می‌یابد.

مفهوم شناسی نکاح. ۲-۳

«الف» نکاح در لغت: ریشه «نکاح» در لغت به معنای «ضمیمه کردن جمع شدن» و نیز «جماع» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ ذیل واژه «نکح». این لفظ در اصل برای عقد ازدواج به کار رفته و سپس به معنای جماع نیز اطلاق شده است.

ب) نکاح در اصطلاح فقهی: در اصطلاح فقهی، نکاح «عقدی است که

مقصد «به معنای محل و جهت رفتن و مورد توجه قرار گرفتن است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ المفردات، ص ۶۷۲). بنابراین، در لغت مقاصد به اهداف و غایاتی اطلاق می‌شود که اراده و توجه به سوی آن معطوف است.

ب) مقاصد شریعت در اصطلاح اصول فقه: در اصطلاح علم اصول فقه مقاصد الشریعه «به غایات و مصالح حکیمانه‌ای گفته می‌شود که شارع» مقدس به طور قطعی یا غالب، در تشریح احکام و وضع تکالیف در نظر داشته است (جرجانی، ۱۹۸۳ م، ذیل ماده القصد (این اهداف ساختاری سلسله‌مراتبی دارند که فقها عموماً آن‌ها را در سه سطح دسته‌بندی کرده‌اند: الضروریات) اموری که قوام دین و دنیای بشر به آنها وابسته است، مانند حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال، (الحاجیات) اموری که برای رفع حرج و سختی‌های زندگی لازمند (و التحسینیات) اموری که (بر رعایت مکارم اخلاق و بهبود کیفیت حیات دلالت دارند (شاطبی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۸-۲۵). (نزد شاطبی به عنوان یکی از نظام‌بخش‌های این نظریه در سنت اهل سنت، کشف این مقاصد عمدتاً از طریق استقراء تام یا غالب نصوص شرعی ممکن می‌شود) شاطبی م، ج ۲، ص ۵۷. (در سنت اصولی امامیه نیز مقاصد مورد تأکید ۱۹۹۷ است، اما در میزان حجیت و روش کشف آن تأمل وجود دارد. مقاصد عموماً نه به عنوان منبعی مستقل، بلکه به عنوان قرینه‌ای مؤثر در فهم نصوص، ترجیح ادله متعارض و تطبیق قواعد کلی بر مصادیق جدید به کار می‌روند و کشف آن‌ها باید مستند به دلیل معتبر (نص یا عقل) باشد (مظفر، ۱۳۹۰ هـ ج ۲، ص ۱۲۷). (در حوزه احکام خانواده، این مقاصد کلی در قالب اهدافی چون تحقق سکونت و مودت، حفظ نسل و عرض و ایجاد کانون امن برای تربیت تجلی می‌یابند.

مفهوم شناسی روش شناسی فقهی ۲-۲

هرگز هدف اولیه شارع نبوده، بلکه ابزاری اضطراری برای «دفع افسد به فاسد» یا رفع ضرر بزرگتر محسوب می‌شود. مهم‌ترین مقاصد مشروعیت طلاق را توجیه می‌کنند، عبارتند از: رفع نزاع و اختلاف عمیق و لاعلاج (شقاق)، دفع حرج و مشقت غیرقابل تحمل از یکی از طرفین یا هر دو، و در نهایت، حفظ کرامت انسانی و جلوگیری از تضییع حقوق پایمال شده در رابطه‌ای که به بن‌بست رسیده است. احکام اقسام طلاق (ارجعی، بائن، خلع)، شرایط اجرای آن و نیز احکام پس از آن مانند عدّه همه در راستای تنظیم این فرآیند و حفظ حداقل‌های مصلحت‌اندیشی از جمله اطمینان از برائت رحم و فرصت بازاندیشی برای اصلاح رابطه وضع شده‌اند (زحیلی، ۱۴۳۳هـ ج ۷، ص ۶۹۷)

جایگاه نکاح و طلاق در منظومه مقاصد شریعت ۵-۲

نهاد خانواده با دو رکن اساسی نکاح (تشکیل (و طلاق) انحلال) جایگاهی محوری در ساماندهی روابط اجتماعی و تحقق اهداف کلی شریعت دارد. این دو نهاد، صرفاً مجموعه‌ای از احکام تشریفاتی یا حقوقی نیستند، بلکه به عنوان ابزارهای کلیدی و هوشمندانه شارع برای نیل به «مصالح» (در سطوح مختلف حیات انسانی طراحی شده‌اند. بررسی جایگاه این دو در منظومه مقاصد، مستلزم فهم این نکته است که آن‌ها در یک رابطه دیالکتیک قرار دارند: نکاح برای تحقق مقاصد وضع می‌شود و طلاق برای دفع مفسده‌ای که مانع تحقق آن مقاصد شده یا خود به مفسده‌ای بزرگتر بدل گشته است.

نکاح: نهاد بنیادین تحقق مقاصد پنجگانه ۱-۵-۲

نکاح در اسلام، اصلی‌ترین و طبیعی‌ترین راه برای تأمین چندین مقصد از مقاصد ضروری و حاجی شریعت به شمار می‌رود. مهم‌ترین این مقاصد عبارتند از:

اول: حفظ نسل (حفظ النسل)

به موجب آن رابطه زوجیت بین مرد و زن به قصد انس و معاشرت برقرار و استمتاع هر یک از دیگری حلال می‌گردد) «نجفی، ج ۲۹، ص این عقد دارای ارکانی مشخص (ایجاب و قبول با الفاظ خاص (و (۱۶) شرایطی) مانند اهلیت طرفین، عدم موانع شرعی مانند محرمت یا عدّه) است. نکاح نزد فریقین، صرفاً یک قرارداد حقوقی مدنی نیست، بلکه پیمانی با حیثیت قدسی و آثار عبادی-اخلاقی نیز شناخته می‌شود. از منظر مقاصدشناختی، نکاح اصلی‌ترین نهاد برای تحقق اهداف کلان شریعت در حوزه اجتماع است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: تکثیر نسل و حفظ نوع بشر (حفظ النسل)، تأمین آرامش، سکون و مودت روانی برای زوجین، ایجاد کانونی مستحکم برای تربیت نسل صالح، و صیانت از عفت عمومی و حریم‌های اخلاقی جامعه (ابن عاشور، ۱۴۲۵هـ ص احکام تفصیلی آن، از مهریه و نفقه گرفته تا حقوق و تکالیف (۳۲۵) متقابل زوجین، همه در راستای تضمین تحقق این اهداف وضع شده‌اند.

مفهوم‌شناسی طلاق ۴-۲

الف (طلاق در لغت: ریشه «طلق» به معنای «رها کردن»، «اسقاط» و «گشودن گره» است) (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ ذیل ماده «طلق»). «بنابراین» طلاق در لغت به معنای رهاسازی و جدایی است.

ب (طلاق در اصطلاح فقهی: در اصطلاح فقهی، طلاق «إزالة قيد النکاح بصیغة مخصوصة»؛ یعنی زائل کردن قید و عقد نکاح با لفظ مخصوص (لفظ طلاق یا سراح و نظایر آن (تعریف شده است) علامه حلی، ب، ۲۰۱۷، ج ۲، ص ۵۴۳). (اگرچه نکاح یک امر مؤکد و مطلوب شرعی است، اما شارع با در نظر گرفتن مصالح متغیر و امکان عدم تحقق اهداف ازدواج، طلاق را به عنوان «أبغض الحلال» (و راه‌حل نهایی برای خروج از پیوندی که غایت خود را از دست داده، مشروع دانسته است (حر عاملی، ۱۴۲۴ق، ج ۲۲، ص ۵. (از منظر مقاصد شریعت، طلاق

به عنوان یک واحد اقتصادی کوچک، زمینه تعاون و تقسیم مسئولیت‌ها را فراهم می‌آورد.

پنجم: تحقق عدالت و کرامت انسانی

نکاح صحیح، بر مبنای رضایت و عدالت بنیان نهاده شده است. احکام مربوط به مهریه، نفقه، احترام متقابل و معاشرت به معروف، همگی در راستای تضمین حقوق و کرامت هر یک از زوجین است. هرگونه انحراف از این چارچوب، مانند ازدواج‌های صوری یا شعار که حقوق زن را نادیده می‌گیرد، به دلیل تعارض با این مقاصد باطل اعلام شده است. حتی در شکل‌های خاصی مانند «ازدواج مسیار» در فقه اهل سنت که در آن زن از برخی حقوق مالی خود صرف‌نظر می‌کند — بر — رضایت کامل زن و وجود تمام ارکان اصلی عقد تأکید شده، اما تصریح می‌شود که این شکل، نکاح برتری که اهداف شریعت در آن محقق می‌شود نیست.

طلاق: راه‌حل اضطراری برای صیانت از مقاصد ۲-۵-۲

با وجود اهمیت والای نکاح، شریعت واقع‌بینانه امکان تعارض و اختلاف عمیق را در روابط زناشویی پذیرفته است. در چنین شرایطی، اگر زندگی مشترک به جای تحقق مقاصد اصلی (مانند سکون و مودت)، به منشأ عسر و حرج، ضرر و نزاع دائمی تبدیل شود، ادامه آن می‌تواند خود ناقض همان مقاصد باشد. در اینجاست که طلاق به عنوان «ابغض الحلال» مشروعیت می‌یابد.

مقصود از تشریح طلاق، نفی نکاح نیست، بلکه صیانت از اهداف والاتر شریعت در مواجهه با یک بن‌بست است. طلاق در حقیقت، ابزاری برای دفع افسد به فاسد است؛ یعنی رهایی از رابطه‌ای که به یک مفسده و ضرر غیرقابل تحمل بدل شده، تا امکان بازبازی کرامت انسانی و آرامش از دست‌رفته برای طرفین فراهم آید. احکام دقیق و متنوع طلاق (مانند

مشروعیت بخشیدن به تولید مثل و تداوم نسل بشر، از بارزترین مقاصد نکاح است. شریعت با تنظیم رابطه زن و مرد در چارچوب ازدواج، هم زمینه‌های تولید نسل صالح را فراهم می‌کند و هم نسب و تبار افراد را از آشفتگی و اختلاط مصون می‌دارد. این هدف چنان اساسی است که فقهاء، تشکیل خانواده و فرزندآوری را از جمله مقاصد اولیه عقد می‌دانند.

دوم: حفظ عفت و عرض (حفظ العرض)

نکاح با مشروع ساختن تمتع جنسی، به عنوان حصنی (دژ و سپری) در برابر فحشا و بی‌عفتی عمل می‌کند. این نهاد، غرایز طبیعی را در مسیری هدایت می‌کند که نه تنها مایه فساد نشود، بلکه به تحکیم پیوند اجتماعی و آرامش روانی بینجامد. از این منظر، مقصد «حفظ عفت» (هم به مصلحت فردی) سلامت روان و امنیت اخلاقی (و هم به مصلحت اجتماعی) سلامت جامعه از مفساد (مربوط می‌شود).

سوم: تأمین سکون، مودت و رحمت

قرآن کریم به صراحت، هدف از ایجاد زوجیت را دستیابی به سکون مودت و رحمت معرفی می‌کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». (این بعد عاطفی و روانی، نکاح را از یک قرارداد خشک حقوقی متمایز ساخته و آن را به کانون رفاه عاطفی و تکمیل روانی زوجین تبدیل می‌کند. تحقق این آرامش، خود بستر ضروری برای تربیت نسل و رشد فضائل اخلاقی است.

چهارم: ایجاد کانون تعاون و تربیت

خانواده برآمده از نکاح، نخستین و مؤثرترین نهاد تربیتی و اجتماعی‌سازی است. در این کانون است که ارزش‌های دینی و اخلاقی نهادینه شده و اعضای جامعه آینده پرورش می‌یابند. همچنین، خانواده

روش‌های کشف مقاصد شریعت در اصول فقه اهل سنت ۱-۳ در اصول فقه اهل سنت، به ویژه با تکامل و نظام‌یابی نظریه مقاصد توسط اندیشمندانی چون ابواسحاق شاطبی، روش‌های مشخصی برای کشف مقاصد شارع توسعه یافته است. این روش‌ها عمدتاً مبتنی بر نگرشی کل‌نگر به شریعت و استنباط اهداف آن از طریق مطالعه مجموعه نصوص است.

الف (استقراء و گردآوری نصوص) (الاستقراء)

این روش، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین راه کشف مقاصد نزد علمای اهل سنت، به ویژه شاطبی محسوب می‌شود. در این روش، فقیه با جمع‌آوری و بررسی همه جانبه نصوص قرآن و سنت در یک موضوع خاص یا در کل شریعت، به غایت و هدف واحدی می‌رسد که این نصوص در پی تحقق آن هستند. شاطبی معتقد است مقاصد کلی شریعت، امری استقرایی است؛ یعنی با مطالعه تعداد کثیری از ادله جزئی، به نتیجه کلی و قطعی می‌رسیم که شارع همواره به دنبال جلب مصالح و دفع مفاسد است (شاطبی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۵۴). (برای مثال، با استقراء احکام مربوط به نکاح، به مقاصدی مانند «حفظ نسل» و «تحقق سکون» (به عنوان اهدافی قطعی پی می‌بریم. این استقراء، گاه تام) شامل همه موارد) و گاه غالب) شامل اکثر موارد (است که هر دو می‌توانند برای کشف مقاصد کلی کافی باشند.

ب (تحلیل مصالح مرسله) (الاستصلاح)

این روش به ویژه در مکتب مالکی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مصالح مرسله «به مصالحی گفته می‌شود که نه نص خاصی بر اعتبار آن» دلالت دارد و نه نص خاصی بر بطلان آن، اما عقل سلیم و نظر جمعی مصلحت‌اندیشان، آن را به عنوان امری مفید و منطبق با اهداف کلی شریعت تشخیص می‌دهد (قرافی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۴۵). (در این روش

رجعی، باین، خلع)، شرایط آن و نیز احکام پس از آن مانند عده، همه در راستای تنظیم این فرآیند و حفظ حداقل‌های مصلحت‌اندیشی وضع شده‌اند. برای نمونه، عده هم هدف اطمینان از برائت رحم (حفظ نسب) را دنبال می‌کند و هم فرصتی برای بازاندیشی و امکان صلح و بازگشت فراهم می‌آورد.

نگاه مقاصدی به طلاق، حتی می‌تواند احکام ظاهری را تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال، برخی فقهای معاصر با استناد به مقصد تحکیم «خانواده و پیشگیری از فروپاشی آسان آن، مشروعیت» شرط عدم طلاق در عقد نکاح را تحلیل و در صورت وجود شرایطی، آن را موافق مقاصد شارع می‌دانند. همچنین، «عسر و حرج» تنها یک شرط فقهی نیست، بلکه تجلی‌گاه توجه شارع به رفاه عاطفی و روانی زوجین است. فقدان این رفاه می‌تواند به عنوان مهم‌ترین مصداق عسر و حرج، مجوزی برای درخواست طلاق باشد.

خلاصه وحدت مقصود در تنوع احکام در یک نگاه کل‌نگر، نکاح و طلاق دو روی یک سکه‌اند که مقصود واحدی را دنبال می‌کنند: تأمین مصالح، انسان و دفع مفاسد از او در مهم‌ترین عرصه زندگی اجتماعی. نکاح جلب مصلحت تشکیل خانواده استوار را هدف گرفته، و طلاق، دفع، مفاسد ادامه رابطه‌ای ویرانگر را. هر دو در خدمت حفظ کرامت، عدالت، عفت و آرامش انسانند. فهم این جایگاه، کلید حل بسیاری از تعارضات ظاهری در احکام خانواده است. وقتی احکام جزئی در پرتو این مقاصد کلان فهمیده شوند، هم از جمود بر ظواهر نصوص جلوگیری می‌شود و هم از تفسیرهای فردی و انحرافی مصون می‌ماند. بنابراین، توجه به منظومه مقاصد، برای هرگونه استنباط و اجتهاد در حوزه احکام خانواده، اعم از نکاح و طلاق، یک ضرورت روش‌شناختی اجتناب‌ناپذیر است.

روش‌های کشف مقاصد شریعت در اصول فقه فریقین ۳-

در اصول فقه امامیه، اگرچه مفهوم «مقاصد الشریعۀ» به اندازه مکتب اهل سنت پررنگ و مستقل نیست، اما توجه به اهداف احکام و مصالح، زیربنایی آن‌ها همواره مورد تأکید بوده است. روش کشف این اهداف، به دلیل تفاوت در مبانی، محتاطانه‌تر و مقیدتر به ادله معین است.

الف (استناد به نصوص معصومین) النصوص الروائیة)

مهم‌ترین و قطعی‌ترین راه کشف مقاصد شارع در نزد امامیه، روایات وارده از پیامبر و ائمه اطهار است. این نصوص، به صراحت به حکمت یا علت یک حکم اشاره می‌کنند. برای مثال، در روایات متعددی، فلسفه «تشریح عدۀ»، «اطمینان از براءت رحم» (و نیز «احترام به عقد منحل شده ذکر شده است) حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۲، ص ۲۴۱. (فقیه امامی با گردآوری و تحلیل این روایات، می‌تواند به مقصود شارع در حوزه طلاق پی ببرد. اعتبار این روش، مستقیم به اعتبار سند و دلالت روایت بستگی دارد.

ب (به کارگیری قاعده ملازمه عقل و شرع

از قواعد بنیادین اصول فقه امامیه، قاعده «کَلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» است. بر این اساس، هر حکم قطعی که عقل عملی برهانی به حسن یا قبح آن برسد، شرع مقدس نیز موافق آن حکم می‌کند (مظفر ق، ج ۲، ص ۱۵۸). (این قاعده، بستر بسیار مهمی برای کشف مقاصد ۱۴۳۰ عقلی شریعت فراهم می‌آورد. برای نمونه، عقل به روشنی حفظ نظام خانواده و جلوگیری از اضرار به نفس و دیگران را به عنوان اموری مقبول و لازم می‌شناسد. فقیه امامی با تکیه بر این قاعده، می‌تواند استنباط کند که مقصود شارع از تشریح احکام نکاح و طلاق نیز تحقق همین مصالح عقلانی است. این روش، به مقاصد، پشتوانه‌ای برهانی و مستقل از صرف استقراء می‌بخشد.

ج (تنقیح مناظ و کشف علل از طریق مناسبات حکم و موضوع) (التنقیح

فقیه با در نظر گرفتن مقاصد کلی ثابت شده از طریق استقراء) مانند حفظ نظام یا دفع ضرر، حکم موضوعات جدیدی را که نص صریحی درباره آن‌ها نیست، استنباط می‌کند. به عنوان مثال، در استنباط برخی محدودیت‌های جدید برای طلاق یا شرایط جدید برای عقد نکاح در جهان معاصر، فقیه مالکی با استناد به مقصد «حفظ نظام خانواده» یا «دفع حرج»، می‌تواند به استنباط حکم بپردازد.

ج (سیره عقلای) (العرف و سیره العقلاء)

عرف و روش خردمندان در جوامع بشری، به شرطی که با اصل کلی شریعت در تعارض نباشد، می‌تواند نشان‌دهنده مصلحتی باشد که شارع نیز آن را امضا کرده است. بسیاری از احکام معاملات و حتی بخشی از احکام خانواده (مانند برخی شرایط ضمن عقد) ریشه در عرف دارد. فقهای اهل سنت، به ویژه حنفیان، برای عرف سلیم و جاری میان مردم حجیت قائل هستند و آن را به عنوان یکی از قرائن کشف مقصود شارع، به کار می‌گیرند (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۳۸). (در حوزه خانواده تحولات عرفی در شیوه‌های زندگی می‌تواند در فهم جدیدی از مصادیق حرج «یا» نشوز «تأثیر بگذارد».

د (در نظر گرفتن علل و حکمت‌های منصوص) (العلل المنصوصة)

در مواردی که شارع به صراحت، علت یا حکمت یک حکم را بیان کرده است، این بیان، مستقیم‌ترین راه برای کشف مقصد است. برای نمونه «آیاتی که علت تشریح مهریه را «قرار گرفتن آن به عنوان هدیه و عطیه» (نساء: ۴) (یا فلسفه تعدد زوجات را «رعایت عدالت نسبت به یتیمان» (نساء: ۳) بیان می‌کند، به روشنی به مقصود شارع اشاره دارد. فقهای اهل سنت از این علل منصوص برای قیاس و گسترش حکم به موارد مشابه با علت واحد استفاده می‌کنند.

روش‌های کشف مقاصد شریعت در اصول فقه امامیه ۲-۳

احکام نکاح به عنوان سنگ بنای جامعه اسلامی، نمونه‌ای بارز برای بررسی عملی روش‌شناسی کشف مقاصد هستند. فقهای فریقین با به کارگیری روش‌های معرفی شده (مانند استقراء، تحلیل حکمت‌های منصوص و قاعده ملازمه)، احکام تشکیل و آثار خانواده را تحلیل کرده و مقاصد زیربنایی شارع از این تشریحات را استخراج نموده‌اند.

کشف مقاصد شریعت در احکام تشکیل خانواده ۱-۴

احکام مرتبط با مرحله شکل‌گیری و آغاز نکاح، بیش از هر چیز بر پایه مقاصد کلان حفظ نسل و تحقق سکون و مودت استوار شده‌اند. فقها با استفاده از روش‌های گوناگون، به تبیین این اهداف در جزئیات پرداخته‌اند:

الف (استقراء نصوص در تعیین معیارهای همسرگزینی

فقها با استقراء و جمع‌آوری نصوص شرعی، به اولویت‌بندی مقاصد در انتخاب همسر پی برده‌اند. برای نمونه، تتبع در روایات وارده نشان می‌دهد که با وجود اشاره به معیارهای گوناگونی مانند مال، جمال و حسب، تأکید اصلی بر دین‌داری و اخلاق نیکو قرار دارد. پیامبر اکرم (ص) (فرموده‌اند): «إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرَضُونَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَزَوِّجُوهُ» هرگاه کسی که اخلاق و دینش را می‌پسندید، به خواستگاری آمد، او را به ازدواج درآورد. (این تأکید از آن روست که مقصود اصلی، تشکیل کانونی برای سکونت و تربیت نسل صالح است و این هدف بدون اشتراک در مبانی ارزشی و اخلاقی، تحقق نمی‌یابد. بر همین اساس تشریح ممنوعیت ازدواج با مشرک را می‌توان ناظر به مقصد حفظ کیان دینی خانواده دانست.

ب (تحلیل علل و حکمت‌های منصوص در تشریح مهریه

مهریه (به عنوان یک تکلیف مالی برای مرد، نمونه‌ای روشن از کشف مقصد از طریق تحلیل علل منصوص است. قرآن کریم مهریه را

(والمناسبة

در این روش، فقیه با بررسی مناسبت میان حکم و موضوع در موارد متعدد، به کشف علت مشترک و مناط واقعی حکم می‌پردازد. این فرآیند که در اصول فقه به «تنقیح مناط» معروف است، شباهتی به استقراء دارد اما دقت و ضوابط خاص خود را دارد. فقیه با مقایسه چندین مورد که حکم واحد بر آن‌ها جاری شده، ویژگی مشترک و مؤثری را استخراج می‌کند که گویا علت حکم است. سپس این علت کشف شده را به موارد مشابه دیگر تعمیم می‌دهد. برای مثال، با بررسی مواردی که طلاق به درخواست زن (جایز شمرده شده، می‌توان دریافت که مناط و علت مشترک، «وجود حرج و مشقت غیرقابل تحمل برای زن در ادامه زندگی» است. این روش، نیازمند دقت بسیار در تشخیص مناط قطعی یا ظنی است.

د (التفات به اهداف کلی در فهم ادله و حل تعارض) مراعات المقاصد (فی فهم النصوص

در این روش، مقاصد کلی و قطعی شریعت که از طریق ادله فوق به دست آمده‌اند، به عنوان قرینه و معیاری برای فهم صحیح نصوص، ترجیح ادله متعارض و تطبیق قواعد کلی بر مصادیق به کار می‌روند. برای نمونه، اگر دو روایت ظاهراً متعارض درباره اختیارات زن در طلاق وجود داشته باشد، روایتی که با مقصد کلی «دفع حرج و حفظ کرامت» هماهنگی بیشتری دارد، ترجیح داده می‌شود (نائینی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۲۱). (این روش، مقاصد را نه به عنوان «منبع مستقل تشریح»، بلکه به عنوان ابزاری (تأویلی و تفسیری (در خدمت استنباط از ادله معتبر hermeneutic قرار می‌دهد.

کاربست روش‌های کشف مقاصد شریعت در حوزه نکاح ۴.

اهل سنت به ویژه با توجه به سیره عقلاء و عرف جامع، مصادیق این رفتار شایسته را مشخص می‌کنند. این روش نشان می‌دهد مقصود شارع، تحقق عدالت و انصاف در روابط است، اما مصادیق عینی این انصاف، می‌تواند با توجه به زمان، مکان و شرایط اجتماعی (عرف) متفاوت باشد. هدف نهایی، تأمین آرامش و احترام متقابل در چارچوبی انعطاف‌پذیر و عقلانی است.

ب (تحلیل حکمت‌های منصوص در تشریح نفقه

تکلیف نفقه بر عهده مرد، از جمله احکامی است که مقاصد آن در نصوص به وضوح بیان شده است. قرآن کریم در آیه «... وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ...» (بقره: ۲۳۳) و نیز آیه «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ ...» (طلاق: ۶) (به این امر تصریح) تصریح کرده است. فقها با تحلیل این آیات و روایات مکمل، مقاصدی چندلایه را استخراج کرده‌اند: نخست، تأمین معاش و امنیت اقتصادی زن به عنوان شریک زندگی؛ دوم، ایجاد تعادل و تقسیم منطقی مسئولیت‌ها در خانواده؛ و سوم، تقویت پیوند عاطفی و احساس مسئولیت متقابل. این حکم، در راستای تحقق آن مقصد کلی است که قرآن برای ازدواج «بیان می‌کند»: لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا

ج (کاربست مقاصد کلان در حل تعارضات) با مثال حق حضانت) در برخی احکام مانند حضانت (نگهداری طفل)، ممکن است میان مصالح گوناگون تعارض رخ دهد. فقها در چنین مواردی، با مراجعه به مقاصد کلان شریعت در حوزه خانواده، به حل تعارض و ترجیح یک حکم می‌پردازند. برای مثال، اگرچه حفظ حقوق طبیعی والدین مهم است، اما مصلحت عالیه کودک و تأمین تربیت صحیح و آرامش روانی او، مقصدی والاتر تشخیص داده می‌شود. بر این اساس، در فقه امامیه حضانت کودک تا سن معینی به مادر سپرده می‌شود، مگر آنکه وجود

با تعبیر «صَدَقَات» (نحل: ۴) و «فَرِيضَه» (نساء: ۲۴) یاد کرده است. فقها با تأمل در این الفاظ و نیز روایاتی که بر تعجیل در پرداخت مهریه تأکید دارند، به کشف مقاصدی چندگانه نائل شده‌اند. این مقاصد شامل ابراز جدیت و صداقت مرد، تکریم موقعیت زن و ایجاد تعهد مالی به عنوان بخشی از مسئولیت‌های ناشی از عقد است. بنابراین، مهریه صرفاً یک قرارداد مالی نیست، بلکه وسیله‌ای برای تحقق مقاصد تأمین امنیت عاطفی و اعلام مسئولیت‌پذیری در آغاز زندگی مشترک است.

ج (قاعده ملازمه در تحلیل ضرورت رضایت در عقد

لزوم رضایت کامل زن و مرد برای انعقاد عقد نکاح، حکمی است که مقصد آن را می‌توان با قاعده ملازمه عقل و شرع به روشنی کشف کرد. عقل سلیم به روشنی درمی‌یابد که تحقق سکون و مودت که هدف کلان ازدواج است (روم: ۲۱)، در سایه اجبار و اکراه ممکن نخواهد بود. از این رو، شرع مقدس نیز موافق این حکم عقلانی، رضایت را شرط صحت عقد قرار داده است. این هماهنگی کامل بین حکم عقل و شرع مقصد شارع از تأکید بر اختیار را که همان تحقق پیوندی مبتنی بر انتخاب آگاهانه و محبت است، آشکار می‌سازد.

کشف مقاصد شریعت در احکام آثار نکاح ۲-۴

پس از تشکیل خانواده، احکام ناظر بر روابط زوجین و اداره زندگی مشترک نیز سرشار از توجه به مقاصد است. فقها در این حوزه نیز به روش‌های مختلف به کشف این اهداف پرداخته‌اند:

«الف (استقراء و سیره عقلاء در تبیین «معاشرت به معروف «قرآن کریم خطاب به مردان دستور می‌دهد: وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (با آنان [همسرانان] به طرز شایسته‌ای رفتار کنید). (مفهوم «معروف» که به «شناخته شده» ترجمه می‌شود، کلیدی برای کشف مقصد است. فقهای

حفظ اهتمام ویژه‌ای دارد، با استناد به مقصد کلی شریعت در دفع ضرر و کرامت انسانی، مصادیق عینی حرج را در هر عصر و متناسب با عرف و شرایط اجتماعی تعیین می‌کنند. برای نمونه، بیماری‌های علاج‌ناپذیر اعتیاد مخرب، ترک انفاق طولانی‌مدت یا سوء معاشرت شدید، همگی مصادیقی از یک مصلحت کلان هستند: نجات فرد از رابطه‌ای که به جای سکون، منشأ عذاب دائم شده است. به همین دلیل است که در فتاوا «آمده است اگر ادامه زندگی برای زن همراه با عسر و حرج شدید باشد، حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۳۲۱).

ب (قاعده ملازمه عقل و شرع در ضرورت «اختیار» و «عقل» برای طلاق‌دهنده

یکی از شروط صحت طلاق، آن است که مرد (طلاق‌دهنده) دارای اختیار و عقل باشد. این حکم را می‌توان به روشنی با قاعده ملازمه تبیین کرد. عقل سلیم به روشنی درک می‌کند که تصمیم‌گیری درباره انحلال یک نهاد مهم اجتماعی مانند خانواده، که آثار گسترده حقوقی، مالی و عاطفی دارد، تنها از سوی فردی آگاه و مختار ممکن است. تصمیم تحت اجبار شوخی یا در حالت مستی و جنون، فاقد ارزش و اعتبار عقلی است. از آنجا که «کَلِّمًا حَكَمَ بِه الْعَقْلُ حَكَمَ بِه الشَّرْعُ»، شارع مقدس نیز موافق این حکم عقلی، طلاق صادره از سوی مجنون، شخص خواب یا فرد مضطر را باطل اعلام کرده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۵۴). (مقصود شارع از این شرط، صیانت از خانواده در برابر تصمیمات غیرعقلانی و جلوگیری از بازیچه شدن احکام است

ج (استقراء نصوص و تحلیل علل منصوص در شرایط زمانی طلاق شرایطی مانند ممنوعیت طلاق زن در زمان حیض یا ممنوعیت آن در طهر مواقع) (پاکی که در آن نزدیکی صورت گرفته) (از جمله احکام دقیقی

مخالفاتی مانند فساد اخلاقی، این مصلحت را خدشه‌دار کند. این تصمیم نشان‌دهنده کاربست مقاصد تربیتی و حفظ مصلحت ضعیف در استنباط احکام فرعی است.

در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت که احکام نکاح، از مرحله گزینش همسر تا اداره زندگی مشترک، شبکه‌ای به هم پیوسته است که هر جزئی «از آن، ابزاری برای تحقق بخشیدن به آن «سکون»، «مودت» و «رحمانیت کلی‌ای است که شارع حکیم به عنوان غایت اصلی تشکیل خانواده مقرر داشته است.

کاربست روش‌های کشف مقاصد شریعت در حوزه طلاق -۵

در مقابل نهاد نکاح که برای جلب مصالح برقرار می‌شود، تشریح احکام طلاق ناظر به دفع مفسده است؛ بدان معنا که هنگام تعارض و ناکارآمدی رابطه زناشویی در تحقق اهداف خود، شریعت با ابزار طلاق، مسیر خروجی قانونمند و عادلانه‌ای پیش‌بینی کرده تا از بروز فساد بزرگتر جلوگیری کند. احکام دقیق و گاه پیچیده این حوزه، نه مجموعه‌ای خشک و تصادفی، بلکه تماماً در خدمت مقاصد کلانی هستند که با روش‌های مشخص فقهی قابل کشف‌اند.

کشف مقاصد شریعت در اسباب و مقدمات طلاق ۱-۵

مقاصد شریعت در این مرحله، عمدتاً بر محدودسازی طلاق، جلوگیری از شتابزدگی و دفع ضرر و حرج متمرکز است. فقها با به‌کارگیری روش‌های مختلف، این اهداف را از دل نصوص استخراج کرده‌اند.

الف (تحلیل مصالح مرسله در تبیین «عسر و حرج» به عنوان سبب طلاق یکی از مهم‌ترین مواردی که زن می‌تواند بر اساس آن درخواست طلاق (خلع یا حکم قاضی (دهد، تحقق «عسر و حرج» است. مفهوم «حرج» که به معنای سختی و تنگی غیرقابل تحمل است، در نصوص به صورت کلی بیان شده است. فقها، به ویژه در مکتب مالکی که به مصالح مرسله

جبران‌ناپذیر است. حتی در احکام فقهی معاصر، مشروعیت «شرط عدم طلاق» در عقد ازدواج — که زوج را از طلاق بدون دلیل موجه منع می‌کند — با استناد به همین مقصد «تحکیم خانواده» و با روش ملاحظه مقاصد کلان در استنباط مورد تحلیل و تأیید برخی فقها قرار گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، ۱۱۵).

«ب (استقراء نصوص و سیره عقلاء در تبیین مقاصد) عدّه»
عدّه، که دوره انتظار برای امکان ازدواج مجدد است، دارای چندین مقصد به هم پیوسته است که فقها با استقراء کلی نصوص مربوطه به آن دست یافته‌اند. نخستین و روشن‌ترین مقصد، اطمینان از برائت رحم و حفظ انتساب صحیح فرزند به پدر است که یک مصلحت ضروری (حفظ نسل (را تأمین می‌کند. با این حال، مقاصد دیگری نیز وجود دارد. این دوره، فرصتی برای سوگواری و گذار عاطفی از رابطه گذشته و آمادگی برای آغاز جدید است. همچنین، در طلاق رجعی، عدّه بستر عملی برای امکان رجوع فراهم می‌آورد. حتی مدت عدّه (سه طهر برای اغلب زنان یا سه ماه برای غیرحائض (با توجه به سیره عقلانی در تشخیص دوره لازم برای اطمینان از عدم بارداری تعیین شده است. بنابراین، عدّه صرفاً یک محدودیت زمانی نیست، بلکه ابزاری برای ساماندهی عقلانی و عاطفی فرآیند انتقال از وضعیت زوجیت به مجرد است (شهید ثانی، (ق، ج ۸، ص ۱۴۱۳۲۳۴).

ج (کاربست مقاصد در حل تعارض: مثال طلاق زن آبستن
حکم عدّه زن آبستن که تا زمان وضع حمل ادامه می‌یابد به خوبی نشان می‌دهد فقها چگونه در صورت تعارض مصالح، با ارجاع به مقاصد اهم حکم را صادر می‌کنند. در اینجا، دو مصلحت وجود دارد: یک سو، تعیین مدت مشخص برای عدّه (سه ماه (و سوی دیگر، اطمینان کامل از برائت رحم برای پایان رابطه سابق. فقها با استناد به نصوص صریح (مانند

است که مقاصد عمیقی در پس آن نهفته است. فقها با استقراء روایات وارده در این باب و نیز تحلیل حکمت‌های منصوص، به کشف اهدافی چندگانه نائل شده‌اند. از یک سو، این شرایط دوره انتظار و بازدارندگی ایجاد می‌کند تا مرد در اوج خشم و نزاع (که ممکن است با دوران حیض همزمان باشد) تصمیم نگیرد و فرصتی برای آرامش و بازاندیشی بیابد. از سوی دیگر، این احکام با تنظیم زمان طلاق، دقیق‌ترین محاسبه برای عدّه و اطمینان از برائت رحم را ممکن می‌سازد تا نسب طفلی که ممکن است حاصل رابطه باشد، کاملاً مشخص شود. این نشان می‌دهد که مقصود، نه یک ممنوعیت بی حکمت، بلکه تنظیم فرآیند طلاق در مسیری حساب شده برای حفظ حقوق همه طرف‌ها، از جمله فرزند احتمالی است) (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۷۱).

کشف مقاصد در احکام انواع طلاق و عدّه ۲-۵
تنوع در اقسام طلاق (مانند رجعی، بائن، خلع (و نیز تشریح عدّه، خود گواه بر توجه شارع به درجات مختلف تعارض و لایه‌بندی مصالح در هنگام انحلال نکاح است.

الف (تحلیل حکمت‌های منصوص و مراجعه به مقاصد کلان در تشریح «طلاق رجعی»

طلاق رجعی، که مرد می‌تواند در طول عدّه به همسرش رجوع کند نمونه‌ای بارز از در نظر گرفتن مصلحت اصلاح و بازگشت است. فقها با توجه به آیات قرآن (مانند آیه ۲۲۹ بقره (که دوره عدّه را «متعاشراً بالمعروف» می‌داند، به وضوح مقصود شارع را کشف می‌کنند: طلاق اولین راه حل نیست، بلکه آخرین راه حل است. شریعت با ایجاد فرصت آزمایشی سه ماهه (عدّه)، این امکان را به زوج می‌دهد که در فضایی خارج از تنش‌های زندگی مشترک روزمره، دوباره تأمل کنند. این حکم کاملاً در خدمت مقصد کلان تحکیم خانواده و پیشگیری از فروپاشی‌های

پیچیده خانواده، تصادفی یا صرفاً عبادی نیست، بلکه ناظر به تحقق مصالح واقعی و دفع مفسد از انسان است. این باور، جواز و ضرورت جست‌وجو برای یافتن علل، حکمت‌ها و غایات پنهان در پس احکام ظاهری را ایجاد می‌کند. برای نمونه، هر دو مکتب در تحلیل احکام — طلاق — که در نصوص به صراحت «ابغض الحلال» معرفی شده تلاش می‌کنند تا مقصود شارع از مشروعیت‌بخشی به این امر مبعوض را کشف کنند و به این نتیجه واحد می‌رسند که طلاق، ابزاری اضطراری برای دفع ضرر بزرگتر (مانند نزاع دائم یا عسر و حرج غیرقابل تحمل) و صیانت از کرامت طرفین در هنگام فروپاشی رابطه است. این نگرش کل‌نگر و غایت‌محور، مشترک میان فقهای مقصدگرای هر دو سنت است. دوم، اتکاء بر نصوص شرعی به‌عنوان منبع اصلی: هر دو مکتب، کتاب و سنت را اصلی‌ترین مرجع برای کشف مقاصد می‌دانند. روش تحلیل علل و حکمت‌های منصوص، در هر دو سنت فقهی کاربرد دارد. زمانی که قرآن کریم علت تشریح مهریه را «نحله» و «و صدق» می‌خواند یا فلسفه تعدد زوجات را رعایت عدالت نسبت به یتیمان بیان می‌کند، فقهای فریقین این تصریحات را کلید مستقیمی برای فهم مقصد می‌دانند. همچنین، استقراء نصوص؛ هرچند با تفاوت در گستره و حجیت، به‌عنوان روشی برای استنباط مقاصد کلی از ادله جزئی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای مثال، گردآوری آیات و روایات مربوط به خانواده، هر دو مکتب را به مقاصد کلانی چون «حفظ نسل» و «تحقق سکون و مودت» (رهنمون می‌سازد.

سوم، توجه به مصلحت به‌عنوان نمودی از مقاصد: اگرچه تعریف و قلمرو «مصلحت» محل اختلاف است، اما اصل توجه به جلب مصالح و دفع مفسد، نزد هر دو مشترک است. در استنباط احکام نوپدید یا حل تعارضات، فقهای هر دو مکتب، البته با درجات مختلف، سعی می‌کنند

وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجْلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (و با ترجیح مصلحت» قطعیت نسب و حفظ حقوق جنین بر مصلحت مدت ثابت، حکم به تداوم عدّه تا زمان زایمان داده‌اند) (سیستانی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۴۵). (این نشان می‌دهد که مقاصد شریعت در این حوزه، سلسله‌مراتبی و منعطف به پیچیدگی‌های واقعی زندگی هستند.

در نتیجه، احکام ظاهراً فنی و جزئی طلاق، از شرایط آغاز تا انواع و آثار، آن، همگی در چارچوب شبکه‌ای از مقاصد حکیمانه شامل دفع ضرر حفظ کرامت، صیانت از نسل و فراهم‌آوری امکان بازگشت و اصلاح معنا می‌یابند. کشف این مقاصد با روش‌های ترکیبی (استقراء، تحلیل — علل، قاعده ملازمه و توجه به مصالح مرسله)، به فقیه امکان می‌دهد تا در استنباط احکام مربوط به طلاق، هم از جمود بر الفاظ بپرهیزد و هم به روح عدالت و رحمت نهفته در شریعت وفادار بماند.

تحلیل تطبیقی و نتیجه‌گیری ۶

پس از بررسی کاربست روش‌های کشف مقاصد در احکام نکاح و طلاق اینک می‌توان با نگاهی کلی و تطبیقی به تحلیل اشتراکات و اختلافات روش‌شناختی فریقین در این حوزه پرداخت. این تحلیل نشان می‌دهد که اگرچه هر دو مکتب به مقاصد شریعت به‌عنوان عنصری حیاتی در فهم احکام خانواده توجه دارند، اما در مبانی، اولویت‌ها و سازوکارهای عملیاتی دستیابی به این مقاصد، تمایزهای بنیادینی مشاهده می‌شود.

اشتراکات روش‌شناختی ۱-۶

فریقین در چند اصل کلان روش‌شناختی پیرامون کشف مقاصد شریعت اتفاق نظر دارند که شناخت این اشتراکات، زیربنای هرگونه گفت‌وگوی علمی و تقریبی است.

اول، اعتقاد به هدفمندی و حکمت‌مندی تشریح: نقطه آغازین مشترک ایمان به این گزاره است که احکام شریعت، از جمله احکام دقیق و گاه

اهل بیت که به بیان حکمت احکام می‌پردازند، روشی کلیدی است. در اهل سنت، سنت نبوی محور است، اما در کنار آن، سیره عقلاء و عرف سلیم می‌تواند به‌عنوان قرینه‌ای برای فهم مصلحت و مقصود شارع نقش آفرینی کند. این امر در تطبیق مفاهیمی مانند «معاشرت به معروف» در نکاح یا «عسر و حرج» در طلاق، که تعیین مصادیق آنها به عرف وابسته است، نمود عینی دارد.

سوم، تفاوت در جایگاه «مصلحت مرسله» به‌عنوان یک روش مستقل این تفاوت، یکی از بارزترین موارد در کاربرست عملی است. در فقه مالکی و به تبع آن در نظریه مقاصد شاطبی، «مصلح مرسله» «مصلحی که نص خاصی بر تأیید یا رد آنها نیست (می‌تواند در صورت انطباق با مقاصد کلی شریعت، به‌عنوان منبعی مستقل برای استنباط حکم در مسائل جدید عمل کند. در مقابل، در اصول فقه امامیه، مصلحت به خودی خود و بدون مستند نقلی یا عقلی قطعی، فاقد حجیت برای تشریح حکم جدید است. مصلحت در اینجا، بیشتر به‌عنوان معیاری برای ترجیح، تفسیر یا تطبیق ادله موجود به کار می‌رود. برای مثال، در استنباط احکام مربوط به «طلاق قضایی» یا گسترش مصادیق «حرج»، فقهای اهل سنت با تکیه بر مصلحت مرسله، دامنه اختیارات قاضی یا مصادیق درخواست طلاق توسط زن را می‌توانند گسترش دهند، در حالی که فقهای امامیه برای هر توسعه‌ای نیازمند دلیل معتبر خاص (روایت یا بناء عقلایی) هستند.

خلاصه تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که فقه امامیه با روشی نص‌محور و عقل‌بنیان، در کشف مقاصد بر استناد به ادله معین و ضابطه‌مند تأکید دارد و مقاصد را بیشتر در نقش مفسر و مکمل نصوص می‌بیند. در مقابل، فقه اهل سنت (در گرایش مقاصدی (با روشی استقرایی و مصلحت‌محور دایره منابع کشف مقاصد را گسترده‌تر تعریف کرده و برای مصلحت عمومی، که از کلان‌نگری به شریعت استخراج می‌شود، نقش آفرینی

حکمی را ترجیح دهند که با مصلحت آشکار خانواده (مانند حفظ کیان آن، تأمین آرامش کودکان یا جلوگیری از ضرر (همهانگ‌تر است. حتی در مسائل اختلافی مانند مشروعیت «شرط عدم طلاق» در عقد نکاح استدلال موافقان در هر دو سنت، اغلب بر پایه همسویی این شرط با مقصد تحکیم خانواده و جلوگیری از شتابزدگی در انحلال آن استوار است.

اختلافات روش‌شناختی ۲-۶

با وجود اشتراکات فوق، تفاوت در مبانی معرفتی و اصولی، منجر به شکل‌گیری دو الگوی متمایز در روش کشف مقاصد شده است که در حوزه خانواده به وضوح قابل رصد است.

اول، تفاوت در مبانی و منابع مشروعیت‌بخش به مقاصد (نقش عقل در برابر استقراء نصوص: (این تفاوت، بنیادی‌ترین تمایز است. در اصول فقه امامیه، عقل عملی برهانی، در چارچوب قاعده «ملازمه حکم عقل و شرع»، از جایگاهی رفیع برخوردار است. مقاصدی که عقل به طور مستقل و قطعی به حسن آنها حکم می‌کند (مانند لزوم رفع ظلم یا وجوب حفظ نظام)، به‌عنوان مقاصد شرعی قطعی پذیرفته می‌شوند. در این نگاه، مقاصد باید مستند به دلیلی معتبر (نص یا عقل) باشند. در مقابل، در مکتب اهل سنت به ویژه شاطبی، استقراء تام یا غالب نصوص، سنگ بنای کشف مقاصد است. مقاصد کلی شریعت از طریق مطالعه نظام‌مند و همه‌جانبه مجموعه ادله کشف می‌شود. در این روش، مصلحت عمومی که از این استقراء به دست می‌آید، می‌تواند وزن و اعتبار بسیار بالایی بیابد.

دوم، تفاوت در مرجعیت سنت و گستره آن: در امامیه، سنت قطعی (الصدور معصوم) پیامبر و ائمه (به‌عنوان مبین بی‌واسطه قرآن، مرجع نهایی برای کشف مقاصد، حتی المقاصد العقلیه، است. تحلیل روایات

می‌بندد که در آن، مقاصد کلی می‌توانند به مثابه منبعی مستقل تر در استنباط احکام جدید یا پاسخ به مسائل مستحدثه عمل کنند. این تمایز روش‌شناختی به وضوح در تحلیل مقاصد احکامی مانند مهریه (تأکید بر جنبه تملیکی در امامیه در مقابل نقش تعادل‌بخشی در اهل سنت)، طلاق (خلع) تحلیل مبتنی بر نصوص خاص در مقابل تحلیل مبتنی بر مصلحت (رفع حرج (و شرایط نکاح مشهود است

تفسیر این یافته حاکی از آن است که اختلافات فقهی موجود در احکام خانواده، ریشه در تفاوت «روش» فهم دارد، نه صرفاً در «متن». «این نگاه منازعات تاریخی را از سطح مجادله بر سر نتایج، به سطح گفت‌وگوی علمی درباره فرآیندهای استدلال ارتقا می‌دهد. درخواست طلاق توسط زن بر مبنای «عسر و حرج» نمونه‌ای گویاست: فقهای اهل سنت با روش مصلحت‌محور، دامنه مصادیق حرج را با توجه به عرف و شرایط اجتماعی گسترش می‌دهند، در حالی که فقهای امامیه برای توسعه مصادیق، بر استناد به روایات خاص یا قواعدی مانند «نفی حرج» تأکید می‌ورزند. هر دو به دنبال تحقق عدالت و دفع ضررند، اما مسیر رسیدن به این هدف را متفاوت می‌پیمایند

کاربرد اصلی این تحقیق، ارائه چهارچوبی تحلیلی برای فهم عمیق‌تر و منصفانه‌تر فقه تطبیقی خانواده و تقریب بین‌مذهبی است. از محدودیت‌های آن می‌توان به تمرکز بر روش‌شناسی کلی و عدم پرداخت تفصیلی به تمام مسائل فرعی حوزه خانواده اشاره کرد. برای پژوهش‌های آینده، تحلیل تأثیر این تفاوت روش‌شناختی بر سایر حوزه‌های فقه خانواده (مانند حضانت، ارث و حقوق مالی زوجه (و نیز بررسی امکان تلفیق سازنده دو روش در پاسخگویی به چالش‌های معاصر) مانند طلاق الکترونیک یا تعارضات خانوادگی در فضای مجازی (پیشنهاد می‌شود به ویژه، واکاوی ظرفیت‌های رویکرد مقاصدی امامیه در تعامل با

مستقیم‌تر و فعال‌تری در استنباط قائل است. این تفاوت روش‌شناختی ریشه بسیاری از اختلافات فرعی در احکام نکاح و طلاق، از حدود ولایت در ازدواج تا شرایط درخواست طلاق توسط زن، است. با این حال، آگاهی از این تمایزات، به جای دامن‌زدن به تعصب، باید زمینه گفت‌وگوی علمی عمیق‌تر و اجتهاد پویاتری را فراهم آورد که در آن هر مکتب با حفظ اصالت خود، از غنای روش‌شناختی دیگری نیز بهره می‌گیرد تا پاسخ‌هایی حکیمانه‌تر برای چالش‌های پیچیده نهاد خانواده در جهان معاصر ارائه دهد

نتیجه‌گیری ۷

این پژوهش با هدف تبیین و تحلیل تطبیقی روش‌شناسی کشف مقاصد شریعت در احکام نکاح و طلاق (از منظر فریقین) اهل سنت و اهل تشیع) آغاز شد. پرسش محوری آن بود که فقهای این دو مکتب، با چه مبانی منابع و سازوکارهای روش‌مندی به استنباط اهداف و حکمت‌های زیربنایی احکام خانواده می‌پردازند و این تفاوت‌های روش‌شناختی چه تأثیری بر احکام فرعی برجای می‌گذارد

مهم‌ترین یافته این تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه هر دو مکتب در توجه کلی به مقاصد و اتکای اولیه به نصوص شرعی مشترکند، اما در مبانی معرفتی و سازوکارهای عملی کشف این مقاصد، تفاوت‌های بنیادینی وجود دارد. فقه امامیه با تکیه بر نص معصوم و قاعده ملازمه عقل و شرع، روشی استنتاجی و مستندمحور را دنبال می‌کند که در آن، مقاصد عمدتاً در خدمت تفسیر، ترجیح و تطبیق ادله موجود هستند. در مقابل فقه اهل سنت (به ویژه در گرایش مقاصدی شاطبی (با محوریت استقراء نصوص و مصلحت عمومی، روشی استقرایی و غایت‌محور را به کار

اسلام و ظرفیت آن برای پاسخگویی پویا به نیازهای همیشه در حال تغییر جامعه انسانی است. تنها با درک این منطق درونی است که می‌توان در عصری پیچیده، هم اصالت شریعت را پاس داشت و هم کارآمدی آن را در تحکیم کانون خانواده، که سنگ بنای تمدن اسلامی است، به نمایش گذاشت.

توسعه‌های نوین نظریه مقاصد، می‌تواند افق‌های جدیدی بگشاید. در پایان، این تحقیق تأکید می‌کند که احکام شریعت در حوزه خانواده تبلور عینی حکمتی زنده و هدفمند است. کشف این حکمت، نیازمند عبور از سطح الفاظ و غور در ژرفای اهداف شارع است. تفاوت در روش‌های این کشف، نه نشانه ضعف، بلکه گواه غنای میراث فقهی

منابع

- منابع فارسی و عربی
- قرآن کریم -
- اشقر، عمر سلیمان، فقه الاسره الاسلامیه بالمقارنه بالمذاهب الاخری و القانون الوضعی، بیروت، دارالنفائس، ۱۴۲۰ق
- باقری، محمدعلی، مقاصد شریعت در احکام نکاح و طلاق: پژوهشی تطبیقی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹ش
- جرجانی، سید شریف علی بن محمد، التعریفات، تحقیق: ابراهیم الایباری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۵ق
- جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۹ق
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعۀ إلى تحصیل مسائل الشریعۀ، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی بیتا
- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی)، تذکرۀ الفقهاء، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، بیتا
- دراز، محمد عبدالله، دستور الاخلاق فی القرآن، قاهره، مکتبۀ وهبۀ ق. ۱۴۲۸
- زحیلی، وهبۀ، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، دارالفکر، چاپ دهم ق. ۱۴۲۸م/۲۰۰۷
- سرخسی، محمد بن احمد، المبسوط، تحقیق: خلیل میس، بیروت دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م
- سائلی، علی و فاطمه نظری، «بازخوانی مقاصد شریعت در منابع فقهی امامیه و اهل سنت»، مطالعات اصول فقه امامیه، شماره ۱۴، ۱۳۹۹ش، صص ۱۵۳-۱۲۹
- شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات فی اصول الشریعۀ، تحقیق: عبدالله دراز، بیروت، دارالمعرفه، بیتا
- شوشتری، مهدی و حسین نصری مقدم، «کارکرد مقاصد شریعت در توسعه و تعمیق فقه امامیه»، پژوهشنامه امامیه، شماره ۱، ۱۳۹۴ش، صص ۹۹-۱۱۴
- شوشتری، مهدی و امین نجفیان، «تحلیل مشروعیت شرط عدم طلاق با نگاه به مقاصد شریعت در حوزه خانواده»، زن و جامعه، سال نهم، شماره ۲ ش. صص ۱۹۱-۱۳۹۷۲۱۰
- صدر، سید محمدباقر، اقتصادنا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۲۸ق
- طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، تحقیق: سید علی خراسانی، قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق
- علیدوست، ابوالقاسم، «فقه و مقاصد شریعت»، فقه اهل بیت، شماره ش. صص ۱۱۸-۱۳۸۴۱۵۸، ۴۱
- علوانی، طه جابر، مقاصد الشریعۀ، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۷ق
- قاسمی، سلمان، بررسی تطبیقی عسر و حرج و احکام آن در نکاح و طلاق از نظر فریقین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان ش. ۱۳۹۵
- قرضاوی، یوسف، فقه الزواج والطلاق فی ضوء الكتاب والسنة، قاهره مکتبۀ وهبۀ، ۱۴۲۱ق
- قرافی، احمد بن ادریس، الفروق (انوار البروق فی انواع الفروق)، بیروت عالم الکتب، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق
- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ ششم ق. ۱۴۳۰
- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۸ق
- نائینی، محمدحسین، فوائد الاصول، تقریر: محمدعلی کاظمی، قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ق
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق: عباس قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق
- نظری، فاطمه و علی سائلی، «بررسی حجیت ادله عقلی در کشف مقاصد شریعت»، پژوهش های اصولی، شماره ۲۷، ۱۴۰۰ش، صص ۱۴۵-۱۶۶
- نقیبی، سید ابوالقاسم، «مقاصد شریعت و جایگاه آن در استنباط حکم شرعی»، پژوهش های فقهی، دوره سیزدهم، شماره ۲، ۱۳۹۶ش
- هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۶ق
- سایت های اینترنتی
- سایت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)، آخرین مراجعه - www.leader.ir (۱۴۰۴/۱۰/۱۵)
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله العظمی سیستانی (مدظله العالی)، آخرین مراجعه - www.sistani.org (۱۴۰۴/۱۰/۱۵)
- آخرین مراجعه، www.noormags.ir پایگاه مجلات تخصصی نور - ۱۴۰۴/۱۰/۱۵

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)، آخرین مراجعه –
۱۴۰۴/۱۰/۱۵ (www.ganj.irandoc.ac.ir)